

تحلیل محتوای واکنش‌های توجیهی دانشجویان به موقعیت‌های عمل نوع‌دوستانه:

آزمون میزان بسندگی مدل‌های بندورا و شالوی

جلیل اعتماد^{۱*}، بهرام جوکار^۲، حسین دباغ^۳

تاریخ دریافت: 98/4/1

تاریخ پذیرش: 98/7/3

تاریخ انتشار: 98/10/4

مقاله‌ی پژوهشی

چکیده

اینکه ما خود را «کمتر شر» یا «قدیس‌تر» بدانیم، دو مقوله‌ی متفاوت در ارزیابی عمل اخلاقی است که انگیزش و میزان کامیابی در هر یک متفاوت است. تحقیق حاضر بر آن است تا پس از مرور مکانیزم‌های توجیهی در چهار موقعیت واقعی که متضمن عمل نوع‌دوستانه است، بسندگی مدل‌های فعلی سنخ‌شناسی توجیه معطوف به عدم درگیری اخلاقی را از لحاظ شمول بیازماید. این تحلیل، با هدف وضوح‌بخشیدن به رفتارهای پیچیده‌ی کنشگر اخلاقی و تسهیل کردن داوری اخلاقی در یک فضای تحلیلی‌تر و همچنین محک‌خوردن مدل‌های رایج در زمینه‌ی طبقه‌بندی اقسام توجیه در دو موقعیت «کمتر شر بودن» و «قدیس‌تر» بودن انجام شده است. شرکت‌کنندگان پژوهش ۷۱ دانشجوی کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه شیراز بودند که به شیوه‌ی در دسترس انتخاب شدند. به منظور ارزیابی نحوه‌ی واکنش شرکت‌کنندگان به موقعیت‌هایی که مستلزم عمل نوع‌دوستانه است، چهار موقعیت واقعی عمل نوع‌دوستانه طراحی شد. پاسخ‌ها و توجیه‌های ارائه‌شده در صورت همکاری‌نکردن با طرح نوع‌دوستانه، مورد تحلیل محتوای جهت‌دار قرار گرفت. در مواجهه با طرح‌های نوع‌دوستانه، سنخ بعضی از توجیهاتی که افراد به‌عنوان دلیل امتناع می‌آوردند مطابق با مکانیزم‌های اشاره‌شده در پیشینه بود؛ علاوه‌برآن دو دسته توجیه نیز وجود داشت که با مقولات موجود در پیشینه قابل فهم نبود. این دو دسته مطابق با مضامین محوری‌شان، توجیه خود-اولویت‌مدار و توجیه دیگر-اولویت‌مدار نام‌گذاری شد. نتایج متضمن تأییدی بر تفکیک مورد نظر کلین و اپلی در انگیزش معطوف به کمتر شر بودن و انگیزش معطوف به قدیس‌تر بودن بود.

واژگان کلیدی: انگیزش اخلاقی، عدم درگیری اخلاقی، فاعلیت اخلاقی، واکنش توجیهی

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

۲. استاد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

۳. استادیار وابسته‌ی مؤسسه‌ی علوم شناختی تهران، تهران، ایران.

* نویسنده‌ی طرف مکاتبه: شیراز، میدان ارم، دانشگاه شیراز، تلفن: ۰۷۱۳۶۱۳۴۶۸۲،

مقدمه

دلایل اخلاقی با اینکه می‌توانند اعمال ما را تبیین کنند و توضیح دهند، اما همواره انگیزه‌بخش نیستند و برای ما وظیفه‌ی اخلاقی فراهم نمی‌کنند. دلایلی به جهت اخلاقی مهم است که انگیزه‌بخش باشد و ما را در انجام عمل اخلاقی هدایت کند. دلایل اخلاقی می‌توانند ما را به وظایف اخلاقی رهنمون کنند؛ با این توضیح که وظایف اخلاقی دلایل انجام‌دادن عمل را فراهم می‌کنند، ولی دلایل اخلاقی همواره وظایف اخلاقی ایجاد نمی‌کنند؛ برای مثال، فرض کنید کسی برای کمک به خیریه دلیل اخلاقی داشته باشد و این دلیل وظیفه‌ی اخلاقی برای او ایجاد کرده است؛ اما اگر او به اندازه‌ی کافی به خیریه کمک کرده باشد، با اینکه همچنان دلیل اخلاقی دارد، دیگر وظیفه‌ای برای کمک ندارد (۱). بنابراین اگر دلایل اخلاقی بتوانند انگیزه‌بخش باشند و ما را در انجام‌دادن عمل اخلاقی هدایت کنند، آنگاه تحلیل روان‌شناختی دلایل اخلاقی مهم خواهد بود؛ افزون‌براین، شبه دلایل یا توجیه‌های اخلاقی نیز نیازمند تحلیل و دسته‌بندی هستند. در پاسخ به اقتضات موقعیت‌های اخلاقی، تفکیک دلیل یا توجیهی که پس از مبادرت‌کردن به عملی غیراخلاقی یا مبادرت‌نکردن به عملی اخلاقی می‌آوریم حائز اهمیت است.

این تفکیک در میان برخی از پژوهش‌های روان‌شناسی اخلاق، به‌نوعی در کانون توجه قرار گرفته است و با تفکیک انجام‌دادن «کنش خوب»^۱ و انجام‌دادن «کنش بد»^۲ (۳و۲) بر تفکیک ارزیابی این نوع کنش تأکید شده است. در واقع اینکه ما خود را «کمتر شر»^۳ بدانیم یا خود را «مقدس‌تر»^۴ (۲) بدانیم دو مقوله‌ی متفاوت در ارزیابی اخلاقی است که حکم و میزان

کامیابی در هر یک متفاوت است. نوع واکنش ما به این موقعیت‌ها عمدتاً به دو نوع کلی توصیف‌کردنی است. زمانی که در عملی غیراخلاقی مشارکت می‌کنیم، پنداره‌ی «کمتر شر» بودن آسیب می‌بیند و زمانی که از مشارکت در عملی اخلاقی استنکاف می‌کنیم، پنداره‌ی «قدیس‌تر» بودن تقویت نمی‌شود. کمتر شر بودن به معنای این است که تا حد توان از من به دیگری آسیب و زحمتی وارد نشود. به عبارت دیگر، انگیزه‌ی اخلاقی در کمتر شر بودن به دنبال کمینه‌کردن انجام کنش بد از سمت فاعل است و بنابراین مبتنی بر انجام‌ندادن برخی کارهاست؛ به‌طور مثال از سرقت علمی آثار متخصصان اجتناب می‌کند و با این اجتناب، احساس «کمتر شر بودن» دارد. از آن سو، قدیس‌تر بودن با انگیزه‌ی انجام‌دادن عمل خوب و تحسین‌برانگیز به لحاظ اخلاقی همراه است و فرد به منظور ایجادکردن یا حفظ تصویری اخلاقی و مقدس از خودش به مشارکت در آن اعمال به‌صورت مثبت گرایش دارد؛ برای مثال، با حضور داوطلبانه در کمک به افراد زلزله‌زده، به این انگاره که من انسانی نوع‌دوست هستم دامن می‌زند. در صورت مشارکت در عملی غیراخلاقی، به‌طور معمول برای درامان‌ماندن از اثرات روان‌شناختی و اجتماعی گزنده‌ی آن، به مکانیزم‌های توجیه‌کننده‌ای متوسل می‌شویم و در صورت کناره‌گیری از مشارکت در عملی نوع‌دوستانه نیز توجیه‌های مختلفی را چه برای اقناع خود، چه برای اقناع اطرافیان یا کسی که از ما در این باره سؤال بپرسد و چه بعضاً برای اقناع افکار عمومی ارائه می‌دهیم. از منظر روان‌شناسی اخلاق، تحلیل اقسام واکنش‌های ما به موقعیت‌ها و همچنین اقسام توجیه‌های ارائه‌شده در صورت درگیری یا عدم درگیری اخلاقی با این موقعیت‌ها دارای اهمیت به نظر می‌رسد.

نوع توجیهی که پس از انجام‌دادن کنشی نوع‌دوستانه ارائه می‌کنیم به لحاظ اخلاقی بررسی‌کردنی و برای داوری اخلاقی^۵

1. Doing Good
2. Doing Bad
3. Less Evil
4. Holier

5. Moral Judgment

تلطیف لغوی یا حسن تعبیر^۵. زبان الگوهای شناختی را که عمل مبتنی بر آن است شکل می‌دهد (۴). به بیان دیگر، نام‌گذاری یک فعل غیراخلاقی با کلمات متفاوت می‌تواند چهره‌ی آن را بپوشاند و مسئولیت‌پذیری را کاهش دهد؛ مثلاً، نظامیان بمباران شهر را «سرویس‌کردن هدف»^۶ می‌نامیدند یا رهبران نازی از کشتار یهودیان با عنوان «پاک‌سازی اروپا»^۷ یاد می‌کردند.

مقایسه‌ی باصرفه^۸. در این روش فرد با مقایسه‌ی رفتار خود با نمونه‌هایی بدتر از سوی دیگران از عذاب وجدان خود کم می‌کند (۴). «آن‌قدر تو این کشور دزدی می‌شه که از زیر کار دررفتن ما جلوش هیچی نیست» در کاربردهایی از این روش نوعی محاسبه‌ی هزینه-سود فایده‌گرایانه^۹ نهفته است. هدف اخلاقی نشان‌دادن خشونت در یک دیدگاه فایده‌گرایانه با دو مرحله قضاوت تسهیل می‌شود: نخست اینکه گزینه‌ی بدون خشونت برای رسیدن به تغییرات مطلوب، غیراثربخش است؛ دوم، تحلیل فایده‌گرایانه تأیید می‌کند که اعمال آسیب‌زننده، عده‌ی بیشتری انسان را از رنج مصون می‌دارد (۵).

جابه‌جایی یا تقسیم مسئولیت^{۱۰}. در این حالت فرد نقش فاعلی خود را در آسیب‌زدن به دیگران به حداقل می‌رساند و با تأکید بر اینکه دستور از منابع اقتدار مافوق بوده، مسئولیت را از خود سلب می‌کند (۴). در قتل عام «می‌لای» یک گروه از سربازان آمریکایی، پانصد غیرنظامی ویتنامی را شکنجه کردند و پس از تجاوز به آن‌ها، آنان را کشتند و بدن بعضی‌هایشان را مثله کردند. وقتی چهارده نفر از افسران بابت این ماجرا محاکمه شدند مسئولیت را به گردن مافوق انداختند و البته رفع اتهام هم شدند. در آزمایش‌های میلگرام^{۱۱} این

ارزشمند است. تحقیق حاضر بر آن است تا پس از مرور مکانیزم‌های توجیهی در هر یک از موقعیت‌های چهارگانه‌ی عمل نوع‌دوستانه که در قسمت روش توضیح داده خواهد شد، با استناد به برخی شواهد تجربی، بسندگی مدل‌های فعلی سنخ‌شناسی توجیه اخلاقی را در این موقعیت‌ها از لحاظ شمول بیازماید. به عبارت دیگر در مواجهه با درخواست محیط یا شخص دیگر برای مبادرت در یک عمل نوع‌دوستانه، ممکن است به هر دلیل یا علتی، ما از انجام‌دادن آن عمل سرباز زده و پاسخ منفی به آن دهیم؛ بنابراین تحلیل سنخ‌شناسانه‌ی پاسخ منفی به این موقعیت‌ها، گامی است با هدف وضوح‌بخشیدن به رفتارهای پیچیده‌ی کنشگر اخلاقی و تسهیل‌کردن داوری اخلاقی در فضایی تحلیلی‌تر و روشن‌تر و همچنین محک‌خوردن مدل‌های رایج در زمینه‌ی طبقه‌بندی اقسام توجیه در دو موقعیت «کمتر شر بودن» و «قدیس‌تر» بودن.

بندورا^۱ مفهوم عدم درگیری اخلاقی^۲ را برای توصیف وضعیتی که افراد با موقعیتی که اقتضای رفتار اخلاقی، همیارانه یا نوع‌دوستانه را دارد یا انتظار می‌رود ما از یک عمل خطا اجتناب کنیم ولی آن را انجام می‌دهیم به کار می‌برد (۴). عدم درگیری اخلاقی، تلاش برای کنترل احساس گناه و انجام‌دادن رفتار غیرمسئولانه و غیراخلاقی است. در واقع بندورا در تبیین عمل غیراخلاقی، فرایندهایی را مطرح کرده است که وجود یکی یا مجموعه‌ای از آن‌ها، موجب تضعیف عاملیت اخلاقی^۳ و در نتیجه بی‌قیدی اخلاقی می‌شود. در ادامه شرحی مختصر از چنین توجیه‌هایی ارائه شده است.

توجیه اخلاقی^۴: رفتار غیراخلاقی، با تأکید بر اهداف متعالی طوری توجیه می‌شود که قابل دفاع یا حتی ستایش‌آمیز به نظر برسد.

5. Euphemistic Labeling
6. Servicing the Target
7. Europe Clean Up
8. Advantageous Comparison
9. Utilitarian Cost-Benefit Calculus
10. Displacement of Responsibility
11. Milgram

1. Bandura
2. Moral Disengagement
3. Moral Agency
4. Moral Justification

تکنولوژی‌های مرگ‌آور باعث می‌شود ما از مواجهه‌ی مستقیم با عملی که موجب آسیب و رنج دیگران شده است کنار بمانیم و این به فردیت‌زدایی عامل خشونت می‌انجامد. در حقیقت، گاهی از یک طرف عامل خشونت به‌طور مستقیم و از نزدیک شاهد قربانی‌گرفتن نیست و از طرف دیگر آنچه قربانی روبه‌رو یا مقابل خود می‌بیند به‌طور مثال یک تانک یا بمب‌افکن یا هواپیما یا دستگاه و... است.

در شکل زیر می‌توان مکانیزم‌های عدم درگیری اخلاقی را از نظر اینکه بر عمل خطا، اثرات زیان‌بار آن یا بر قربانی متمرکز است از یکدیگر تفکیک کرد. بنا بر نظر بندورا می‌توان گفت این مکانیزم‌ها ابتدا بر سلوک خطا متمرکز می‌شوند و در درجه‌ی دوم مکانیزم‌ها بر ناچیز جلوه‌دادن اثرات عمل خطا متمرکز می‌شوند و در نهایت از طریق انسانیت‌زدایی یا مقصردانستن قربانی بر او متمرکز می‌شوند (۷).

برخی از محققان همچون: شالوی^۶، گینو^۷، بارکان^۸ و آیال^۹ با طرح مفهوم «توجیه خودخدمتی»^{۱۰} مدلی را ارائه می‌دهند که در آن مکانیزم‌های «توجیه قبل از خطا»^{۱۱} و «توجیه بعد از خطا»^{۱۲} را به‌عنوان دو مکانیزمی که در تعامل با هم به یک هدف، یعنی کاهش هزینه‌های روانی در ارتکاب عمل غیراخلاقی می‌انجامند توضیح می‌دهند (۸). به عبارت دیگر، اینکه چگونه می‌توان خودپنداره‌ی اخلاقی^{۱۳} را حفظ کرد^{۱۴} و همچنان تصویری از خود به‌مثابه یک فاعل اخلاقی داشت و هم‌زمان یک استاندارد اخلاقی را هم شکست؛ بنابراین دو مسیر داریم، مسیر توجیه قبل از خطا و مسیر توجیه بعد از خطا.

مکانیزم در یک آزمایش مورد مشاهده قرار گرفت (۴). میکائیل والزر^۱ در کتاب جنگ‌های عادلانه و ناعادلانه^۲ به‌صورت تحلیلی از منظری اخلاقی به این نوع توجیه می‌پردازد (۶).

انسانیت‌زدایی^۳: منطق کلی این روش، مادون انسان در نظر گرفتن سایرین است (۴). هرچه کیفیت انسانی قربانی بیشتر خدشه‌دار شود، آسیب رساندن به او سهل‌تر می‌شود. کاکاسیاه خواندن برده‌ها، کم‌عقل دانستن زنان و... در واقع، پیش‌درآمدی برای همین رفتارهاست.

توزیع (پخش‌شدگی) مسئولیت^۴: در این مکانیزم، مسئولیت منتشر می‌شود و از روی دوش یک شخص برداشته می‌شود؛ به بیان دیگر، فاعلیت تقسیم می‌شود و عمل برآمده از جمع، کنترل اخلاقی را تضعیف می‌کند (۴). مردم در مسئولیت‌پذیری گروهی بی‌رحم‌تر رفتار می‌کنند تا زمانی که خودشان شخصاً مسئول عملشان باشند (۵). در این مکانیزم، ابهامی که ناشی از سهم مسئولیت هر یک از عاملان ایجاد می‌شود، توجه را از پیامد نهایی و عینی عمل دور می‌کند.

مقصد دانستن قربانی: در این روش خود قربانی مسبب اصلی شرارت قلمداد می‌شود. کارگرانی که بدرفتاری کارفرما را دلیل دزدی خود می‌دانند و متجاوز می‌گویند سر و وضع قربانی تحریک‌آمیز بوده نمونه‌هایی از این مکانیزم هستند.

نادیده‌گرفتن یا معوج جلوه‌دادن پیامدها^۵: یکی دیگر از راه‌های تضعیف کنترل اخلاقی، نادیده‌گرفتن یا معوج نشان‌دادن تأثیر عمل شخص است. زمانی که مردم عملی را که به دیگران آسیب وارد می‌کند ادامه می‌دهند بنا به فشارهای اجتماعی یا دستاوردهای شخصی، آن‌ها از مواجهه با آسیبی که مسبب آن بوده‌اند اجتناب می‌کنند یا نقش خود را در آن کوچک نشان می‌دهند (۴). بندورا اشاره می‌کند که

1. Michael Walzer
2. Just and Unjust Wars
3. Dehumanization
4. Diffusion of Responsibility
5. Disregard or Distortion of Consequences

6. Shalvi

7. Gino

8. Barkan

9. Ayal

10. Self-Serving Justifications

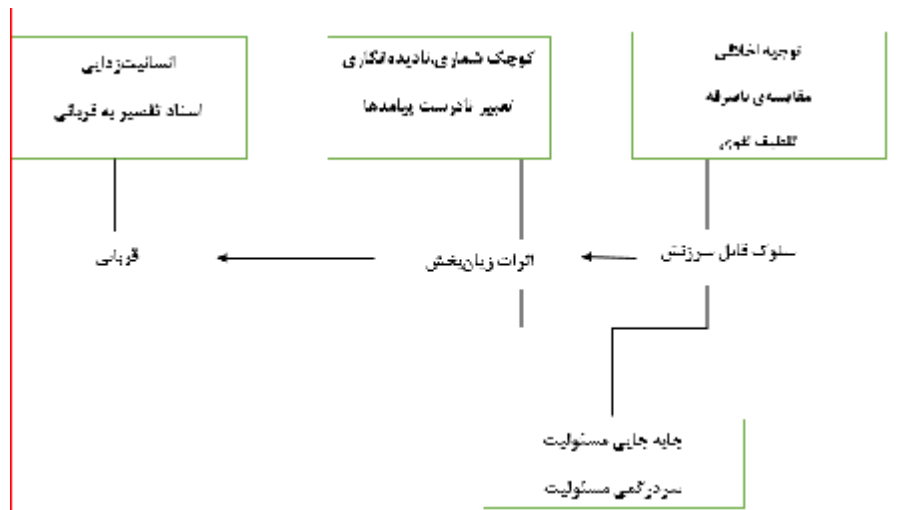
11. Pre-Violation Justifications

12. Post-Violation Justifications

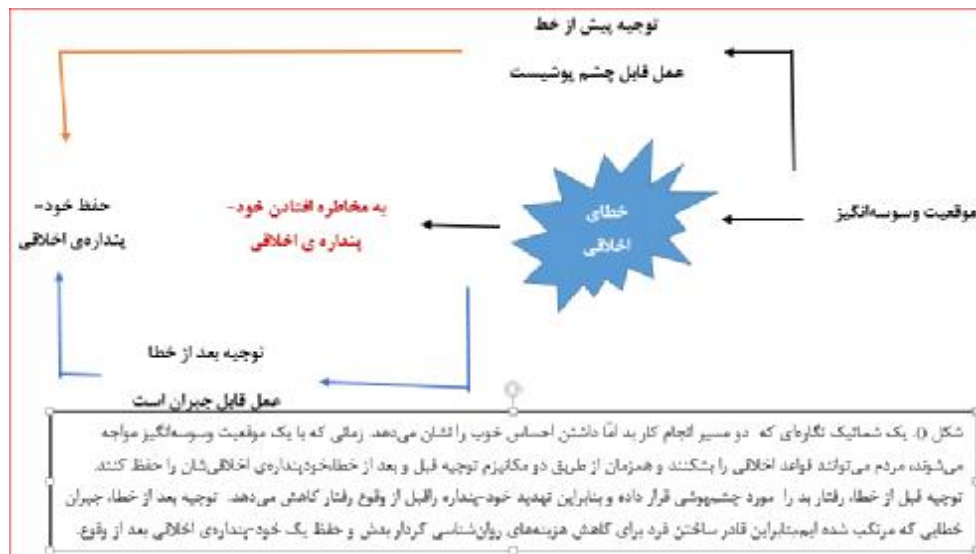
13. Moral Self - Image

14. برای مطالعه در این زمینه به مقاله‌ی جوردن و همکاران (2015)

مراجعه کنید.



شکل شماره ۱- مدل بندورا در زمینه‌ی فرایند خودنظم‌دهی در راستای عدم درگیری اخلاقی (۷)



شکل شماره ۲- مدل شالوی و همکاران در زمینه‌ی فرایندهای توجیه قبل و بعد از خطا (۸)

مسیر توجیه قبل از خطا

مسیر توجیه قبل از خطا «یک ناحیه‌ی خاکستری است»:

الف. ابهام

به اعتقاد شوترزر و سی^۱ موقعیت‌هایی که نرم‌ها و قواعد

در این مسیر سه مکانیزم شایان توجه است: «ابهام»^۱،

2. Self-Serving Altruism

3. Moral Licensing

1. Ambiguity

صرف شده و نتوانسته به اندازه کافی مطالعه کند، در موقعیت امتحان به خودش اجازه می‌دهد تقلب کند.

مسیر توجیه بعد از خطا

مردم بعد از ارتکاب عمل غیراخلاقی نیز دچار تعارض اخلاقی می‌شوند؛ از این رو تلاش می‌کنند این ناهماهنگی را از طریق درگیری در فرایند توجیه بعد از خطا کاهش دهند (۸). سه مکانیزم در خور توجه در این مسیر عبارت است از: «تنظیف»^۲، «اعتراف»^۳ و «فاصله‌گرفتن»^۴.

الف. تنظیف

تنظیف می‌تواند شکل فیزیکی یا نمادین داشته باشد (۸). در تحقیقی که از مشارکت‌کنندگان خواسته شده بود عملی غیراخلاقی‌شان را به یاد بیاورند، شست‌وشوی دست‌هایشان احساس گناهشان را کاهش داده بود (۸). پاک‌کردن فیزیکی همچنین ممکن است همراه با درد باشد (مثل ریاضت دینی) (۱۰). بعد از شکستن قواعد اخلاقی، مشارکت‌کنندگان تمایل بیشتری برای خودتنبیهی الکتروشوکی خفیف برای رها کردن خودشان نشان می‌دهند (۸).

ب. اعتراف

اعتراف به مردم کمک می‌کند ورقی جدید در دفتر اخلاقی‌شان بگشایند (۸). تحقیقات جدید نشان می‌دهد که حتی وقتی آن‌ها واقعاً پشیمان هستند، ممکن است فقط بخشی از کارشان را برای اعتراف انتخاب کنند و صرفاً بخشی از خطای اخلاقی‌شان را تصدیق کنند. اعتراف جزئی کمک می‌کند به اینکه مردم برای پذیرش کردار خطایشان احساس اخلاقی کنند، بدون اینکه پیامدهای پذیرش کلیت خطا را تحمل کنند (۸).

ج. فاصله‌گرفتن

مردم معمولاً عمل غیراخلاقی‌شان را بعد از وقوع آن، با نشان‌دادن کردار غیراخلاقی دیگران توجیه می‌کنند. تحقیقات

در آن مبهم هستند مستعد بروز توجیه قبل از خطا هستند (۸). شالوی و همکاران این موضوع را که موقعیت مبهم، توجیه‌کردن پیش از خطا را تسهیل می‌کند تأیید کرده‌اند (۹و۸). همچنین پژوهش‌ها نشان داده‌اند افرادی که خلاق‌ترند، بیشتر امکان استفاده از ابهام را در راستای توجیه قبل از خطا دارا هستند (۸)؛ برای مثال کارمندی با این توجیه که تمام مخارج کارمند در زمان مأموریت بر عهده‌ی اداره‌ی مربوطه است، بخشی از بودجه‌ی اداره‌ی دولتی را صرف مخارج شخصی‌اش می‌کند. حال آنکه فقط بخشی از مخارج او مربوط به اداره است و او از ابهام موجود در آیین‌نامه سوءاستفاده می‌کند.

ب. نوع‌دوستی خدمت به خود

توجیه‌های نوع‌دوستانه می‌تواند احساس گناه را کاهش داده و مسأله را دور بزند (۸)؛ مثلاً اشخاصی را در نظر بگیرد که برای دور زدن قانون نیت‌های نوع‌دوستانه ذکر می‌کنند. یا زمانی که مردم دروغ می‌گویند برای سود خود و دیگری با هم، و در توجیه نوع‌دوستانه، نفع دیگری ملاک قرار می‌گیرد (۸)؛ همچنین می‌توان به کارمندی اشاره کرد که با خوردوی دولتی از مسیر خلاف عبور می‌کند با این توجیه که زودتر در محل کارش حاضر شود و به مردم خدمت کند.

ج. جواز اخلاقی

روش دیگری که مردم رفتار خطایشان را قبل از درگیری با آن توجیه می‌کنند، این است که از طریق توجه‌دادن به اعمال جامعه‌پسندی که اخیراً انجام داده‌اند، به دادن جواز اخلاقی برای کردار بد فعلی رهنمون می‌شوند (۸). به بیان شالوی و همکاران شخصی که در یک موقعیت سابق، اعتبار و امتیاز اخلاقی دریافت کرده است، احساس می‌کند اجازه دارد در موقعیت متعاقب پیش‌رو نیز عملی غیراخلاقی انجام دهد (۸)؛ برای مثال، دانشجویی که در یکی از کارهای نوع‌دوستانه شرکت کرده، با این توجیه که وقتش برای عمل نوع‌دوستانه

2. Cleansing
3. Confessing
4. Distancing

1. Schweitzer & Hsee

تحلیل توجیه‌های ارائه‌شده در پاسخ به امتناع از عمل اخلاقی به روشن‌ساختن این قضیه کمک کند.

پرسش‌های پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

۱. محتوای پاسخ‌های ارائه‌شده را در توجیه مبادرت‌نورزیدن به عمل نوع‌دوستانه، در چه سنخ‌های معناداری می‌توان دسته‌بندی کرد؟

۲. در صورت وجود سنخ‌های جدید تفکیک‌پذیر، فراوانی

افراد در پاسخ مربوط به هر کدام از سنخ‌ها به چه نحو است؟

روش کار

تحقیق حاضر، از نوع تحلیل محتوایی است. این روش در دسته‌ی تحقیقات کیفی قرار دارد و جداول فراوانی ارائه‌شده پس از آن، به معنای تحلیل محتوای کمی نیست، بلکه در تکمیل فهم نتایج تحلیل محتوای جهت‌دار است. در این تحقیق، پس از ارائه‌ی تعدادی موقعیت‌های عمل نوع‌دوستانه، پاسخ‌ها و توجیه‌های ارائه‌شده در صورت همکاری‌نکردن با طرح نوع‌دوستانه تحلیل محتوایی شده است. روش به کار گرفته‌شده در تحلیل محتوا، تحلیل محتوای جهت‌دار^۳ با الگوی سیه^۴ و شانون^۵ (۱۱) بود. واحد تحلیل محتوا، جمله بود و صرفاً بر محتوای آشکار تمرکز شد. تناسب این روش با این تحقیق از آن جهت است که این روش کمک می‌کند قابلیت تعمیم‌دهی توجیه‌های شناخته‌شده در پیشینه‌ی تحقیق برای دسته‌بندی نوع توجیه‌های ارائه‌شده در موقعیت‌های امتناع از یک عمل اخلاقی روشن شود. روش نمونه‌گیری در دسترس بود. به این طریق که از میان دانشجویان، کسانی که تمایل به همکاری داشتند شرکت کردند؛ سپس فراوانی هر کدام از سنخ پاسخ‌ها تعیین شد. همچنین از طریق جدول توافقی، سنخ‌های پاسخ مشخص شده، با توجه به نوع شاخه‌ی تحصیلی دانشگاهی ارزیابی شدند.

جدید نشان می‌دهد، مردم با استفاده از سنجه‌های اخلاقی درجه‌بندی‌شده و قضاوت درباره‌ی اینکه رفتار غیراخلاقی دیگران شدیدتر بوده، خود را از پریشانی ناشی از عمل غیراخلاقی‌شان دور می‌کنند (۸). بنا بر یافته‌های شالوی و همکاران، دور کردن خود از شر و دیوپنداری دیگران کمک می‌کند تا مردم خودشان را فردی «فوق‌العاده اخلاقی»^۱ ببینند و تنش خود را کاهش دهند.

تحلیل سنخ‌های مورد نظر بندورا در مکانیزم «خنثی‌سازی»^۲ و شالوی و همکاران در مکانیزم‌های مربوط به توجیه قبل و بعد از خطا که با کاهش هزینه‌های روان‌شناختی ناشی از ارتکاب عمل اخلاقاً ناروا همسوست نشان می‌دهد در این تحلیل‌ها اساساً توجیهی که اخلاقاً پذیرفتنی باشد دیده نمی‌شود؛ به این دلیل که تحلیل بندورا بر مکانیزم‌هایی استوار است که پس از مشارکت در عمل غیراخلاقی فعال می‌شوند و برای انگاره‌ی «کمتر شر بودن» مفید هستند؛ درحالی‌که توجیه‌هایی که پس از امتناع از انجام‌دادن عملی اخلاقی ارائه می‌شوند ممکن است و می‌تواند منطبق دیگری نیز داشته باشد. به عبارت دیگر، از نظر منطقی می‌توان تصور کرد که برخی از توجیه‌های ما در انصراف از عمل نوع‌دوستانه نه‌تنها می‌تواند پذیرفتنی باشد، بلکه می‌تواند اخلاقی نیز باشد؛ برای نمونه می‌توان به موقعیتی اشاره کرد که فرد میان انتخاب دو عمل جامعه‌پسند در دو بافت مختلف درمانده و به علت محدودیت زمانی و مالی مجبور به انتخاب فقط یکی از موقعیت‌هاست تا بتواند آن را به‌طور اثربخشی انجام دهد؛ به عبارت دیگر، شهوذهای بین‌الذهانی ما به امکان وجود چنین توجیه‌های در زندگی پاسخ مثبت می‌دهد. بنابراین تحقیق حاضر می‌کوشد با

1. Ultra Moral

2. Neutralization، منظور از خنثی‌سازی، مکانیزم‌هایی روان‌شناختی

است که از فعال‌شدن حساسیت اخلاقی نسبت به رفتار عامل اخلاقی بازدار می‌کند و از ایجاد احساس گناه در موقعیتی که به لحاظ اخلاقی،

کاری ناپسند انجام داده‌ایم جلوگیری می‌کند.

3. Directed Content Analysis

4. Hsieh

5. Shannon

جامعه‌ی آماری و مشارکت‌کنندگان

جامعه‌ی آماری این پژوهش دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شیراز بود. از جامعه‌ی آماری انتخاب‌شده، گروهی مشارکت‌کننده به حجم ۷۱ نفر در این تحقیق شرکت داشتند. شیوه‌ی مشارکت، در دسترس بود و با بررسی پاسخ‌ها مشخص شد که پس از تحلیل تصادفی پاسخ‌های ۳۲ شرکت‌کننده، باقی پاسخ‌ها به تکرار همان مطالب می‌انجامد و مقوله‌ی تازه‌ای دربر ندارد؛ با این حال پاسخ‌های تمام مشارکت‌کنندگان در تحلیل، بررسی شدند.

ابزار محقق‌ساخته‌ی سنجش کنش همدلانه

این تکلیف چهار طرح^۱ عملی را در بر داشت که بازنمای کنش همدلانه بود و بر مبنای الگوی سناریوهای تحقیقات روان‌شناسی اجتماعی آزمایشی تدوین شده بود. تعداد ساعات پیشنهادشده‌ی مشارکت‌کنندگان برای هر کدام از طرح‌ها با هم جمع بسته شد و به‌عنوان متغیر کنش همدلانه منظور گردید.

طرح اول: در قالب طرح اول، انجمن علمی روان‌شناسی و مرکز مشاوره اعلام کردند که در نظر دارند برای حمایت ارتباطی از دانشجویان مبتلا به افسردگی، در قالب طرحی داوطلبانه از دانشجویان ارشد و دکتری کمک بگیرند. به این ترتیب که اگر دانشجویان ارشد و دکتری تمایل به همکاری با این طرح را داشته باشند، باید تعداد ساعاتی را که آمادگی دارند در طول هفته، به‌صورت داوطلبانه با فردی افسرده همراهی و گفت‌وگو کنند، اعلام نمایند. این توضیحات به‌نحوی بود که دانشجویان آن را بخشی از یک درخواست واقعی تلقی می‌کردند؛ درخواستی که ما به‌عنوان نماینده‌ی مرکز مشاوره از ایشان داریم؛ بنابراین پاسخ‌هایشان را پاسخ به یک سناریوی پژوهشی نمی‌دانستند. در واقع گویی آنان به درخواستی واقعی پاسخ می‌دادند و برای مشارکتشان زمان تعیین می‌کردند. شماره تلفن دوستان داوطلب گرفته می‌شد تا در ساعت‌هایی که تمایل به همکاری دارند، با آن‌ها هماهنگی

1. Scenario

Website: <http://ijme.tums.ac.ir>

[Downloaded from journals.tums.ac.ir on 2026-04-05]

انجام شود.

تعداد ساعت در یک ترم:

محدوده‌ی زمانی قابل هماهنگی است.

شماره تلفن:

طرح دوم: هر ترم درصدی از دانشجویان کارشناسی در همه‌ی رشته‌ها مشروط می‌شوند یا در مرز مشروطی قرار می‌گیرند و این مسأله منجر به بی‌انگیزگی و مشکلات تحصیلی و گاه هزینه‌های اضافی برای دانشجویان و دانشگاه می‌شود. طرح دوم بر این اساس شکل گرفت که انجمن علمی روان‌شناسی با همکاری مرکز مشاوره در نظر دارد از دانشجویان ارشد و دکتری داوطلب برای تدریس خصوصی قبل از امتحانات برای کارکردن با این دسته از دانشجویان کمک بگیرد؛ البته حق‌الزحمه‌ای در کار نیست و منظور کار داوطلبانه است.

آیا شما می‌توانید به دانشجویان کارشناسی رشته‌ی خودتان

در این زمینه کمک کنید؟

چند ساعت در ترم؟

تعداد ساعت در یک ترم:

محدوده‌ی زمانی قابل هماهنگی است.

شماره تلفن:

طرح سوم: تعدادی از دانشجویان نابینای دانشگاه از طرف کانون فانوس معاونت فرهنگی به انجمن علمی روان‌شناسی معرفی شده‌اند. این دانشجویان برای تولید فایل‌های صوتی مربوط به جزوه‌ها و درس‌های این ترمشان به کمک نیاز دارند. به این ترتیب که درس‌های گوناگون آنان به فایل صوتی تبدیل شود. در صورتی که برای شما مقدور است، برای این کار چند ساعت زمان می‌توانید اختصاص بدهید که با توجه به این زمان، فصول متناسب به شما داده شود؟

تعداد ساعت در ترم:

محدوده‌ی زمانی قابل هماهنگی است.

شماره تلفن:

می‌رسید و در اجرای مقدماتی مطلوبیت لازم را داشت و علاوه بر دو استاد بخش، استادی بیرون از دانشگاه (پژوهشکده‌ی علوم شناختی) نیز آن را تأیید کرد. چهار طرح پیش‌گفته به دانشجویان انتخاب‌شده ارائه شد. این دانشجویان مخیر بودند طرح را بپذیرند و شماره تلفن و ساعت همکاری‌شان را مشخص کنند و منتظر تماس ما باشند یا اینکه مشارکت در طرح را رد کنند. در صورت رد کردن مشارکت، از آن‌ها خواسته می‌شد دلیل نپذیرفتنشان را بیان کنند.

یافته‌ها

برای پاسخ به پرسش نخست این پژوهش از روش تحلیل محتوای جهت‌دار استفاده شد. به این ترتیب که مقوله‌های برآمده از پیشینه مشخص و تعریف شد و در ذیل کدهای جدول دسته‌بندی قرار گرفتند و در صورت تناظر پاسخ‌ها با مقوله‌های موجود، نقل قول‌های مرتبط با آن در ذیل مقوله آورده شد. واحد تحلیل جمله‌های یک شخص بود. بر اساس این روند، آن دسته از مقوله‌های پیشینی که در پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان دارای مصداق بود و مقوله‌هایی که فاقد مصداق بود مشخص شدند؛ افزون‌براین، آن دسته از پاسخ‌هایی که با هیچ‌کدام از مقوله‌های پیشینی متناظر نبود، در دسته‌بندی مقوله‌ای تفکیک‌شده قرار گرفت و با توجه به محور و محتوای انتزاعی آن نام‌گذاری شد. دو دسته‌بندی «توجیه خودمدار»^۱ و «توجیه دیگرمدار»^۲ از این طریق به دست آمد. دسته‌ی اول، الف. کسانی که به همکاری در طرح پاسخ مثبت دادند و میزان ساعت همکاری را مشخص کردند؛ ب. کسانی که به همکاری در طرح پاسخ منفی دادند و دلیل عدم همکاری‌شان را موضوعی دانستند که به سلامت یا بهزیستی متقاضیان کمک (کسانی که قرار بود به آنان کمک شود) ربط داشت که با عنوان توجیه دیگر-اولویت‌مدار فهمیده می‌شود. دسته‌ی دوم، کسانی که نسبت به همکاری در

طرح چهارم: تعدادی از دانشجویان کارشناسی، متقاضی تغییر رشته‌ی خود هستند. این دانشجویان تلقی درستی از اینکه واقعاً چه رشته‌ای را می‌خواهند و آینده‌ی اجتماعی و شغلی مربوط به رشته‌ی فعلی‌شان چیست، ندارند. در صورتی‌که شما به‌صورت داوطلبانه آمادگی دارید برخی از این افراد که رشته‌شان به رشته‌ی شما نزدیک است، در ساعت‌های خاصی با شما تماس گرفته و سؤال‌تشان را در این زمینه مطرح کنند اعلام بفرمایید تا از طرف مرکز مشاوره با شما هماهنگی انجام شود.

چند ساعت در ترم:

محدوده‌ی زمانی قابل هماهنگی است.

شماره تلفن:

مراحل ساخت طرح‌های عمل نوع‌دوستانه-همدلانه از این قرار بود که ابتدا با توجه به اقتضائات محیطی مربوط به عمل نوع‌دوستانه و همدلانه در دانشگاه و بر طبق الگوی تحقیقات روان‌شناسی اجتماعی آزمایشی، پیش‌نویس چندین طرح (نه طرح) تهیه شد. کوشیدیم تا طرح‌های پیش‌نویس‌شده به قدر ممکن بیانگر یک موقعیت انضمامی در بافتی آکادمیک باشد و همچنین نحوه‌ی بیان آن نشان‌دهنده‌ی واقعی بودن این درخواست باشد. پس از آن با مشارکت دو تن از استادان بخش روان‌شناسی دانشگاه شیراز روایی صوری طرح‌ها ارزیابی و تحلیل و برخی از طرح‌ها حذف شد و نوع بیان برخی از طرح‌ها تغییر کرد. در نهایت چهار طرح مد نظر قرار گرفت. افزون‌براین برای سنجش روایی اولیه، طرح‌های مورد نظر به‌صورت مقدماتی برای چهار نفر از دانشجویان دکتری دانشگاه شیراز اجرا و نحوه‌ی اجرا به‌صورت فایل صوتی ضبط شد؛ سپس فایل‌های صوتی همراه با نتایج آن در اختیار استادان قرار گرفت تا آن را بازبینی و بررسی کنند. در نتیجه مجدداً تغییراتی در طرح‌ها اعمال و بر سر یک الگوی اجرایی خاص توافق شد. در نهایت به چهار طرح رسیدیم که نحوه‌ی بیان آن و نیز اقتضائات موقعیتی آن دارای کفایت لازم به نظر

1. Ego-Oriented or Self-Oriented
2. Other-Oriented

هستند. به عبارت دیگر، هم در مواجهه با فرد مشارکت‌کننده در عمل بد و هم در مواجهه با فردی که از انجام‌دادن کار خوب امتناع ورزیده می‌توان شاهد مکانیزم‌هایی از این دست باشیم؛ اما چنانکه گفته شد دسته‌ای از پاسخ‌ها در مقوله‌های موجود دسته‌بندی نمی‌شدند و در دو سنخ خودمدار و دیگرمدار دسته‌بندی شدند. این دو سنخ اخیر نشان‌دهنده‌ی نیاز به جدی‌انگاشتن تفکیک نوع موقعیت (مشارکت در خطای اخلاقی یا عدم مشارکت در کنش جامعه‌پسند) و بر آن اساس بازفهمی مکانیزم‌های توجیه است. در جدول زیر نتایج تحلیل محتوای جهت‌دار آورده شده است:

طرح پاسخ منفی دادند و دلیل عدم همکاری‌شان را موضوعی دانستند که به آسایش یا فایده‌ی شخص خودشان مربوط بود که با عنوان توجیه خود اولویت‌مدار فهمیده می‌شود. در مواجهه با طرح‌های نوع‌دوستانه، افراد یا همکاری می‌کردند یا نمی‌کردند. کسانی که همکاری نمی‌کردند، دست به نوعی توجیه اخلاقی عقلانی‌سازی، توجیه جابه‌جایی مسئولیت، مکانیزم نوع‌دوستی خدمت به خود و توسل به مکانیزم ابهام می‌زدند که این موارد در پیشینه آمده است و به این اعتبار به نظر می‌رسد این مکانیزم‌ها هم در رویکرد «کم شر بودن» و هم در رویکرد «قدیس‌تر بودن» دارای موضوعیت

جدول شماره ۱- نتایج تحلیل محتوای جهت‌دار پاسخ‌های دانشجویان به چهار موقعیت واقعی عمل نوع‌دوستانه

شماره کد	مقوله‌های مبتنی بر پیشینه	برچسب	تعریف	نقل قول‌ها
۱	توجیه اخلاقی (عقلانی‌سازی)	شناختی-عاطفی	با تأکید بر اهداف متعالی، رفتار غیراخلاقی طوری توجیه می‌شود که قابل دفاع یا حتی ستایش‌آمیز به نظر برسد.	- «مواجه‌شدن با این‌گونه افراد من را ناراحت می‌کند» - «حالم گرفته می‌شود» - «برای درس‌های خودم مشکل پیش می‌آید» - «توانایی لازم را ندارم» - «گروه علمی من مانع ایجاد می‌کند» - «قدرت بیان خوبی ندارم» - «بی‌فایده است»
۲	تلطیف لغوی	شناختی-عاطفی	نام‌گذاری فعلی غیراخلاقی با کلمات متفاوت که چهره‌ی آن را می‌پوشاند و مسئولیت‌پذیری را کاهش می‌دهد.	مصدافی برای آن یافت نشد.
۳	مقایسه‌ی باصرفه	شناختی	در این روش فرد با مقایسه‌ی رفتار خود با نمونه‌هایی بدتر از دیگران، از عذاب وجدان خود کم می‌کند.	مصدافی برای آن یافت نشد.
۴	جابه‌جایی مسئولیت	شناختی-عاطفی	در این حالت، فرد با تأکید بر اینکه دستور از منابع اقتدار مافوق بوده، نقش فاعلی خود را در آسیب‌زدن به دیگران به حداقل می‌رساند.	«کسان دیگری هستند که مسئول‌اند کمک کنند»

شماره کد	مقوله‌های مبتنی بر پیشینه	برچسب	تعریف	نقل قول‌ها
۵	انسانیت‌زدایی	شناختی-عاطفی	منطق کلی این روش، پست و مادون انسان در نظر گرفتن سایرین و قربانی است.	مصدیقی برای آن یافت نشد.
۶	توزیع مسئولیت	شناختی-عاطفی	در این مکانیزم، مسئولیت منتشر می‌شود و از روی دوش یک شخص برداشته می‌شود؛ به سخن دیگر نقش فاعلی تقسیم می‌شود.	مصدیقی برای آن یافت نشد.
۷	مقصدانستن قربانی	شناختی-عاطفی	در این روش خود قربانی مسبب اصلی شرارت قلمداد می‌شود.	مصدیقی برای آن یافت نشد.
۸	نادیده‌گرفتن پیامدها	شناختی-عاطفی	یکی دیگر از راه‌های تضعیف کنترل اخلاقی، نادیده‌گرفتن یا معوج نشان‌دادن تأثیر عمل شخص است.	مصدیقی برای آن یافت نشد.
۹	تنظیم	رفتاری	تمایل به شست‌وشوی فیزیکی یا تحمل حدی از ریاضت برای رهایی از احساس گناه.	مصدیقی برای آن یافت نشد.
۱۰	اعتراف	رفتاری	اعتراف جزئی کمک می‌کند مردم برای پذیرش کردار خطایشان، بدون تحمل کردن پیامدهای پذیرش کلیت خطایشان احساس اخلاقی کنند.	مصدیقی برای آن یافت نشد.
۱۱	فاصله‌گرفتن	رفتاری	فرد با قضاوت درباره‌ی اینکه رفتار غیراخلاقی دیگران شدیدتر بوده، خود را از پریشانی ناشی از عمل غیراخلاقی‌اش دور می‌کند.	مصدیقی برای آن یافت نشد.
۱۲	نوع‌دوستی خدمت به خود	شناختی-عاطفی	فرد با توجه‌های نوع‌دوستانه می‌تواند احساس گناه را کاهش داده و مسأله را دور بزند.	«اطلاعات من برای او کاربرد ندارد.»
۱۳	ابهام	شناختی-عاطفی	موقعیت‌هایی که نرم‌ها و قواعد در آن مبهم هستند مستعد بروز توجه قبل از خطا هستند.	- «معلوم نیست تا چه زمانی در خوابگاه باشم و آن موقع وقت داشته باشم یا نه.» - «شاید اطلاعات اشتباه بدهم.» - «معلوم نیست کمکی که آن فرد از من می‌خواهد چه باشد و من بتوانم یا نه.» - «وضعیت من اصلاً معلوم نیست.»

شماره کد	مقوله‌های مبتنی بر پیشینه	برچسب	تعریف	نقل قول‌ها
				- «معلوم نیست دقیقاً از من چه کمکی برمی‌آید.»
۱۴	جواز اخلاقی	شناختی-عاطفی	روش دیگری که مردم رفتار خطایشان را قبل از درگیری در آن توجیه می‌کنند، این است که از طریق توجه‌دادن به اعمال جامعه‌پسندی که اخیراً انجام داده‌اند، به دادن جواز اخلاقی برای کردار بد فعلی رهنمون می‌شوند.	مصادیقی برای آن یافت نشد.
۱۵	توجیه خودمدار	شناختی-عاطفی	در این سنخ توجیه، فرد به صورت مستقیم و بدون حاشیه، با اشاره و تمرکز بر رفاه و بهزیستی شخصی، از مشارکت در طرح امتناع می‌ورزد.	- «خیلی گرفتارم.» - «درگیر دفاع هستم.» - «وقت ندارم.» - «شاغل هستم.» - «علاقه‌ای به این کار ندارم.» - «تعهد نمی‌دهم همکاری کنم.» - «حوصله‌ی این کار را ندارم.»
۱۶	توجیه دیگرمدار	شناختی-عاطفی	در این سنخ توجیه، که عمدتاً در پاسخ به طرح اول (کمک به دانشجویان افسرده) بیان شد، مرکزیت توجیه، بر ملاحظه‌ی حال دیگری و بهزیستی او متمرکز است.	- «من صلاحیت انجام این کار را ندارم.» - «ممکن است نوع برخورد من به آن‌ها آسیب وارد کند و حالشان را بدتر کند.» - «می‌ترسم راهنمایی‌ام موجب اشتباه آن‌ها بشود.» - «این کاری تخصصی است و من تخصص لازم را در این زمینه ندارم.»
		رفتاری	در این مورد، فرد با فرض جدی‌بودن و واقعی‌بودن طرح‌ها، میزان زمانی را که در طول ترم برای یک طرح یا چند طرح می‌توانسته وقت صرف کند اعلام کرده و با دادن شماره تلفن و آدرس، منتظر زمان شروع همکاری می‌ماند.	همکاری با حداقل طرح و ثبت زمان همکاری.
	تصمیم به کنش همدلانه			(این مورد جزء مقوله‌ها نیست و صرفاً برای فهم بهتر بحث بوده و حذف شدنی است.)

بر اساس نتایج جدول شماره ۴، تفاوت معناداری در فراوانی افراد در واکنش به طرح سوم وجود دارد.

جدول شماره ۴- فراوانی پاسخ‌گویان در سه سطح پاسخ به طرح سوم

Sig	درجه آزادی	کای اسکوار	درصد	فراوانی	طرح سوم فراوانی
			۳۹/۴	۲۸	کنش همدلانه
۰/۰۰۰	۲	۳۳/۳۲	۲/۸	۲	توجیه دیگرمدار
			۵۷/۷	۴۱	توجیه خودمدار

مطابق با نتایج جدول شماره ۵، شاهد تفاوت معناداری در فراوانی افراد در واکنش به طرح چهارم هستیم.

جدول شماره ۵- فراوانی پاسخ‌گویان در سه سطح پاسخ به طرح چهارم

Sig	درجه آزادی	کای اسکوار	درصد	فراوانی	طرح چهارم فراوانی
			۷۲/۲	۵۲	کنش همدلانه
۰/۰۰۰	۲	۵۱/۰۷	۱۱/۳	۸	توجیه دیگرمدار
			۱۵/۵	۱۱	توجیه خودمدار

بحث و نتیجه‌گیری

در پاسخ به پرسش نخست پژوهش، تحلیل پاسخ‌های دانشجویان در مقابل پیشنهاد دعوت به همکاری در طرح‌های نوع‌دوستانه، در چهار مقوله از مقوله‌های موجود در پیشینه و دو مقوله‌ی جدید طبقه‌بندی شد. بنا بر نتایج تحلیل محتوای جهت‌دار صورت‌گرفته، برخی از پاسخ‌ها در مقوله‌های پیشینی

بنا بر نتایج جدول شماره ۲، در فراوانی افراد در واکنش به طرح اول تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۲- فراوانی پاسخ‌گویان در سه سطح پاسخ به طرح اول

Sig	درجه آزادی	کای اسکوار	درصد	فراوانی	طرح اول فراوانی
			۲۵/۴	۱۸	کنش همدلانه
۰/۰۰۱	۲	۱۳/۲۱	۲۱/۱	۱۵	توجیه دیگرمدار
			۵۳/۵	۳۸	توجیه خودمدار

مطابق با نتایج جدول شماره ۳، شاهد تفاوت معناداری در فراوانی افراد در واکنش به طرح دوم هستیم.

جدول شماره ۳- فراوانی پاسخ‌گویان در سه سطح پاسخ به طرح دوم

Sig	درجه آزادی	کای اسکوار	درصد	فراوانی	طرح دوم فراوانی
			۴۶/۵	۳۳	کنش همدلانه
۰/۰۰۰	۲	۲۷/۱۵	۴/۲	۳	توجیه دیگرمدار
			۴۹/۳	۳۵	توجیه خودمدار

«توجیه اخلاقی عقلانی‌سازی»، «جابه‌جایی مسئولیت»، «نوع‌دوستی خدمت به خود» و مکانیزم «ابهام» جای می‌گرفتند؛ بنابراین برخی از مقوله‌های مدل بندورا (۷،۴) و مدل شالوی و همکاران (۹،۸) در تحلیل توجیه‌های مربوط به موقعیت امتناع‌ورزیدن از عمل نوع‌دوستانه قابل ردیابی است. چنانکه در مقدمه آوردیم، توجیه‌های مربوط به امتناع از عمل نوع‌دوستانه با انگیزه‌ی «قدیس‌انگاران»^۱ی مورد نظر کلین^۱ و اپلی^۲ (۲) و اپلی و دانیگ^۳ (۳) قابل فهم و مرتبط است. دو مقوله‌ی جدید، بازنمای پاسخ‌هایی است که با سنخ‌شناسی مقولات پیشینی مدل‌های مورد اشاره تناظری نداشته و لازم بود ذیل مقولات تازه‌ای فهمیده شوند. بر این اساس، می‌شد دو نوع توجیه «خودمدار» و «دیگرمدار» برای تفکیک جهت‌گیری‌های مزبور پیشنهاد داد. این دو عنوان در ادبیات فلسفی اخلاق و به‌طور خاص با تمرکز بر رویکرد فضیلت‌گرایی قابل ردیابی و مفهوم‌سازی است.

چنانکه مشاهده می‌شود نمونه‌ی پاسخ‌های آورده‌شده ذیل عنوان توجیه خودمدار نشان می‌دهد که رفاه و سودمندی شخصی، گوهر این دسته از پاسخ‌هاست و در مدل بندورا، می‌توان آن را نوعی توجیه اخلاقی محسوب کرد؛ با این توضیح که مکانیزم‌های مورد اشاره‌ی بندورا (۷،۹) چنانکه گفته شد مربوط به فرایندهای خنثی‌سازی در مباردت به عمل غیراخلاقی است و فرد می‌کوشد به‌نوعی عقلانی‌سازی در اقناع خویش و دیگران دست بزند؛ حال آنکه در توجیه خودمدار ما شاهد تمرکز مستقیم (و نه عقلانی‌سازی برای پوشاندن رفاه خویش) بر اولویت شخصی هستیم. بنابراین لازم است چنین پاسخ‌هایی در یک مقوله‌ی جدید و تفکیک‌شده فهم شوند؛ به عبارت دیگر، انگیزه‌ی افراد از رد کردن همکاری، تراحم میان منفعت و رفاه خویش با منفعت و رفاه دیگری است و در این میان اولویت را به منفعت و رفاه

خویشتن می‌دهند. این توجیه به ارزیابی گرین^۴ (۱۲) در معمای ترولی نزدیک است؛ به‌طور مثال، در این جهت‌گیری، فارغ از نوع طرح، آنچه که به‌عنوان دلیل امتناع آورده می‌شود صرفاً این است که برای کارهای خودم باید وقت بگذارم، یا از این کار خوشم نمی‌آید، یا اینکه حوصله‌ی این کار را ندارم و در نهایت نیز اینکه اداره‌ی مسئول در این زمینه باید این کارها را به عهده بگیرد. هنری سیجویک^۵ به‌روشنی به نوعی اخلاق دوگانه اشاره می‌کند؛ یکی متمرکز بر خود و وابستگان و خانواده‌ی خود و دیگر اخلاق متمرکز بر باقی آدمیان است (۱۳). سیجویک در کتاب روش‌های اخلاق از نوعی دوگانه‌ی دلایل اخلاقی^۶ سخن می‌گوید؛ به این معنا که آدمیان در مواجهه با حوادث پیرامونشان، از دو نوع استدلال مبتنی بر خودمحوری و فایده‌محوری بهره می‌گیرند و هنگامی که میان این دو نوع استدلال اختلاف می‌افتد تئوری دیگری بالاتر از این دو نمی‌نشیند تا حکم نهایی را صادر کند. این سخن سیجویک می‌تواند نتایج روان‌شناسانه داشته باشد و مقوله‌ی توجیه خودمدار را روشن‌تر کند.

در دسته‌ی دیگر، یعنی پاسخ‌های ذیل توجیه دیگرمدار، منطق دیگری حاکم است. در این پاسخ‌ها گوهر انگیزه‌ی امتناع (با نظر به بافت همکاری)، توجه به نسبت میان صلاحیت و مهارت‌های خویشتن با الزام‌های تکلیف نوع‌دوستانه است و بنا بر آن نتیجه گرفته شده که ممکن است همکاری در طرح با نوعی آسیب‌زدن به دیگری همراه شود یا دست کم عمل نوع‌دوستانه بی‌تأثیر بوده و نتیجه‌بخش نباشد؛ برای نمونه، در طرح اول که کمک به دانشجویان افسرده است، از نگاه منطقی و اخلاقی قابل فهم است که دانشجویی با این دلیل که افسردگی یک اختلال خلقی پیچیده است و همراهی با فرد افسرده، به دانش و مهارت‌های روان‌شناختی نیاز دارد و او خود را فاقد آن دانش و مهارت لازم می‌داند،

4. Greene
5. Sidgwick
6. Dualism of Practical Reason

1. Klein
2. Epley
3. Dunning

در پاسخ به پرسش دوم به تفکیک طرح‌ها، تحلیل فراوانی نشان می‌دهد در طرح اول، بیشترین فراوانی پاسخ مربوط است به امتناع همراه با توجیه خودمدار، پس از پذیرش و انجام کنش نوع دوستانه و در نهایت فراوانی امتناع همراه با توجیه دیگرمدار. برای طرح دوم، بالاترین فراوانی مربوط است به امتناع همراه با توجیه خودمدار، پس از آن پذیرش و انجام عمل نوع دوستانه و در نهایت امتناع همراه با توجیه دیگرمدار. در طرح سوم نیز تحلیل فراوانی نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی مربوط است به امتناع همراه با توجیه خودمدار، پس از آن پذیرش و انجام کنش نوع دوستانه و در نهایت امتناع همراه با توجیه دیگرمدار. در طرح چهارم، جدول فراوانی نشان می‌دهد بیشترین فراوانی مربوط است به پاسخ پذیرش و انجام کنش همدلانه، بعد از آن امتناع همراه با توجیه خودمدار و در نهایت فراوانی امتناع همراه با توجیه دیگرمدار. مقایسه‌ی فراوانی هر کدام از سنخ پاسخ‌ها در طرح‌ها نشان می‌دهد پایین‌ترین فراوانی در همه‌ی طرح‌ها مربوط است به امتناع همراه با توجیه دیگرمدار. این یافته به‌طور تلویحی می‌تواند نشانگر این نکته باشد که پایین بودن توجیه دیگرمدار، حداقل در مقایسه با توجیه خودمدار، نخست به ضعف دانشجویان در آمادگی اخلاقی برای کنش همدلانه و نوع دوستانه و سپس ضعف آنان در مد نظر قرار دادن حساسیت‌های ابعاد اخلاقی موقعیت (ملاحظه‌ی پیچیده بودن و مخاطرات اخلاقی نوع کمک) مربوط می‌شود.

این تحقیق با هدف محک زدن میزان تعمیم و کاربرد مقوله‌های رایج در توجیه و خنثی‌سازی درگیری اخلاقی در موقعیت‌های امتناع از کنش همدلانه انجام شد. نتایج نشان داد اگرچه برخی از مقوله‌های رایج، همچون: عقلانی‌سازی، جابه‌جایی مسئولیت، نوع دوستی خدمت به خود و مکانیزم ابهام در فهم برخی از توجیه‌های موقعیت امتناع از عمل نوع دوستانه کاربرد دارند، دسته‌هایی از پاسخ‌ها نیز از چتر مدل‌های رایج بیرون می‌ماند و برای فهم آن، به مقوله‌هایی

بخوهد از همکاری سرباز بزند. این نوع امتناع از عمل نوع دوستانه/ کنش همدلانه می‌تواند یک امتناع اخلاقی فهمیده شود. همچنین می‌توان به دانشجویی اشاره کرد که از او خواسته می‌شود به دانشجوی دیگری در زمینه‌ی انتخاب رشته کمک کند، اما او می‌گوید خودش از رشته‌اش راضی نیست و دقیقاً هم نمی‌داند کدام گرایش یا کدام تصمیم در این شرایط، تصمیم معقول‌تری برای فرد یاری‌جوست و به همین دلیل است که از قبول همکاری سرباز می‌زند. این توجیه در هیچ کدام از دسته‌بندی‌های مدل‌های بندورا (۷و۵،۴) و شالوی و همکاران (۹و۸) قرار نمی‌گیرد.

بنابر نتایج به‌دست آمده در پاسخ به سؤال اول، می‌توان مدل ارائه‌شده‌ی بندورا (۷و۵،۴) و شالوی و همکاران (۹و۸) را در توضیح توجیه‌های مربوط به همکاری نکردن در کنش‌های همدلانه‌ی نوع دوستانه را نابسند دانست. به عبارت دیگر، مدل‌های پیش‌گفته، برای توضیح آن دسته از پاسخ‌هایی که حاکی از امتناع در عمل نوع دوستانه است ولی انگیزه‌ی این امتناع دیگر محورانه است، بسندگی تبیینی لازم و کافی را ندارد و به‌طور عمده برای فهم توجیه‌های مربوط به مداخله در اعمال غیراخلاقی (و نه عدم مداخله در عمل اخلاقی) مطلوب‌اند. این یافته، با تفکیک نظری و شواهد تجربی مربوط به تحقیق کلین و اپلی (۲) و اپلی و دانینگ (۳) درباره‌ی کمتر شر بودن و مقدس‌تر بودن و تفاوت مکانیزم‌های آن همسویی‌هایی دارد و نشان می‌دهد مدل‌های توضیح‌دهنده‌ی مکانیزم‌های هر یک از این دو مقوله (کمتر شر بودن و قدیس‌تر بودن) به‌طور عمده متفاوت است و دست کم تطابق کامل ندارد. با توجه به اینکه مبادرت نکردن به عملی در یک موقعیت اخلاقی به همان اندازه مبحثی مربوط به توجیه اخلاقی است که مبادرت کردن به عملی غیراخلاقی، نمی‌توان مدلی ارائه داد و مدعی شمول آن در مکانیزم‌های توجیهی شد؛ درحالی‌که بسندگی آن با توجه به این تفکیک (۲) و شواهد آورده‌شده، نارسا می‌نماید.

تازه نیاز داریم. این مقوله‌ها در این تحقیق با عنوان توجیه خودمدار و توجیه دیگرمدار نامگذاری شدند و نشان‌دهنده‌ی نابسندگی مدل‌های رایج برای فهم توجیه‌های موقعیت‌های امتناع از عمل نوع‌دوستانه هستند. همچنین این یافته‌های شاهدی بر استحکام تفکیک قدیس‌تر بودن و کمتر شر بودن در انگیزه‌های اخلاقی و به‌نوعی مبتنی بر آن است؛ افزون‌براین شواهد تحلیل فراوانی نشان داد دانشجویان مشارکت‌کننده و با احتیاط زیاد، جامعه‌ی دانشجویان ایرانی با نوعی ضعف در آمادگی اخلاقی به لحاظ عملی و نوعی ضعف در حساسیت‌های اخلاقی و ملاحظه‌ی «دیگری» روبه‌رو هستند. محدودیت‌های این تحقیق شامل تمام محدودیت‌های یک مطالعه‌ی تحلیل محتوای جهت‌دار است. همچنین با توجه به اینکه پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان در واکنش به طرح‌های خاصی بود، نوعی از اثر طرح-وابستگی و موقعیت-وابستگی پاسخ‌ها را تهدید می‌کند؛ لذا تعمیم آن به توجیه‌های برآمده از موقعیت‌های امتناع از عمل نوع‌دوستانه‌ای که با موقعیت چهار طرح این تحقیق ناهم‌سنگ باشد، ناروا بوده یا دست کم با احتیاط فراوان باید انجام شود.

تلویحات این تحقیق برای فهم پیچیدگی‌های انگیزه‌های اخلاقی و مکانیزم‌های دفاعی در موقعیت‌های اخلاقی پیگیری‌شدنی است و می‌توان با در نظر گرفتن ملاحظات آن، به غنی‌تر کردن و درک پیچیده‌تر الگوهای تخصصی تربیت اخلاقی نایل آمد. به‌طور خاص، در انگیزه‌ی ضمنی کمتر شر بودن، مکانیزم‌های تهدیدکننده در راستای خشی‌سازی، عمدتاً و احتمالاً همان مکانیزم‌های اشاره‌شده در پیشینه است؛ حال آنکه در رویکرد قدیس‌تر بودن، مکانیزمی همچون توجیه خودمدار و توجیه دیگرمدار که از نظر اخلاقی پذیرفتنی است، وجود دارد که توجه به آن، نوع مواجهه‌ی ما را با دیالوگ‌های اخلاقی درونی و بیرونی و قضاوت‌های رایج در بطن تربیت اخلاقی روشن‌تر کرده و به آن‌ها نظم می‌دهد. پیشنهاد می‌شود تحقیقات جدید با خلق موقعیت‌های اخلاقی تازه، میزان موقعیت-وابستگی این مقوله‌ها را بیازمایند. همچنین تأثیرپذیری این دلایل از هیجان‌ات اخلاقی فراخوانی‌شده در موقعیت به تفکیک آزموده شود تا نقش هیجان‌ات اخلاقی موقعیتی در استواری فرد در توجیهاتش روشن گردد.

منابع

- 1- Dabagh H. The Problem of Explanation and Reason-Giving Account of pro tanto Duties in the Rossian Ethical Framework. *Public Reason*. 2018; 10(1): 69-80.
- 2- Klein N, Epley N. Maybe holier, but definitely less evil, than you: Bounded self-righteousness in social judgment. *Journal of personality and social psychology*. 2016; 110(5): 660-9.
- 3- Epley N, Dunning D. Feeling “holier than thou”: Are self-serving assessments produced by errors in self- or social prediction?. *Journal of Personality and Social Psychology*. 2000; 79: 861-875.
- 4- Bandura A. Moral disengagement in the perpetration of inhumanities. *Personality and Social Psychology Review*. 1999; 3(Special Issue on Evil and Violence): 193-209.
- 5- Bandura A. Selective Moral disengagement in the Exercise of Moral Agency. *Journal of Moral Education*. 2002; 31(2): 74-82.
- 6- Walzer M. *Just and unjust wars: A moral argument with historical illustrations*. New York: Basic Books; 1992.
- 7- Bandura A. *Social foundations of thought and action: A social cognitive theory*. London: Prentice-Hall; 1986.
- 8- Shalvi S, Gino F, Barkan R; Ayal S. Self-Serving Justifications: Doing Wrong and Feeling Moral. *Current Directions in Psychological Science*. 2015; 24(2): 125-30.
- 9- Shalvi S, Dana J, Handgraaf M, De Dreu C. Justified ethicality: Observing desired counterfactuals modifies ethical perceptions and behavior. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*. 2011; 115: 181-90.
- 10- Zhong C, Liljenquist K. Washing away your sins: Threatened morality and physical cleansing. *Science*. 2006; 313: 1451-2.
- 11- Hsieh H, Shannon S. Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative health research*. 2005; 15(9): 1277-8.
- 12- Greene, Joshua D. “The Secret Joke of Kant’s Soul.” In W. Sinnott-Armstrong. *Moral Psychology*. Cambridge: MIT Press; 2008.
- 13- Sidgwick H. *The Methods of Ethics*. Indianapolis: Hackett; 1981.

The Content Analysis of Student's Justificatory Reaction to Altruistic Actual Situations: Testing Adequacy of Bandura's and Shalvey's Models

Jalil Etemaad^{*1}, Bahram Jowkar², Hosein Dabbagh³

¹PhD Candidate of Educational Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.

²Professor of Educational Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.

³Assistant Professor of Philosophy of Ethics and Neuroethics, Tehran institute of cognitive science, Tehran, Iran.

Abstract

To consider ourselves as "lesser evil" and to consider ourselves "holier" are two different categories in evaluating moral action, that its motivation and success rate vary in each other. After reviewing the justification mechanisms in four real situations involving altruistic act, the present study seeks to examine the validity of the current models of the temporality of justification for moral disengagement in terms of inclusion. In addition to verify the common models for categorizing justifications in two situations as "less evil" and as "holier", this examination aims to clarify the moral behaviors of the moral actor and facilitate ethical judgment in a more analytical space. The participants of the study were 71 undergraduate and postgraduate students at Shiraz University selected in convenience method. In order to evaluate how respondents respond to situations which require altruistic action, four realistic situations of altruistic action were designed. The responses and justifications presented by those who didn't cooperate with the altruistic plan were subjected to direct content analysis. In the face of the altruistic plans of those who refuse, their justifications were in accordance with some of the mechanisms mentioned in the background. However, there were two categories of justification that were not understandable with the categories in the literature. These two categories are named according to their core themes, self-oriented justification, and other-oriented justification. The results implied confirmation of Klein and Epleis's distinction of motivation toward lesser evil and holier.

Keywords: Moral motivation, Moral disengagement, Moral agency, Justification reaction

* Corresponding Author: jetemaad@gmail.com